

دانلود جزوه حقوق مدنی 7

برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید

نمونه متن جزوه:

در عقد ودیعه انتفاع از مال صورت نمیگیرد. بنابراین نقصان منافع در آن ایجاد نمیشود. ولی در عقد عاریه، شخص مال را به عاریه میگیرد تا از آن منتفع شود و استفاده کند. ممکن است نقصانی در منفعت ایجاد شود، که به آن منقصت ناشی از استعمال میگویند (در عقد ودیعه منقصت ناشی از استعمال مال ودعی، منتفی است. زیرا از مال استفاده نمیشود. و در صورتی که در عقد ودیعه، مال موضوع عقد استعمال گردد بد مستودع به بد ضمانتی تبدیل خواهد شد.

ولی در عقد عاریه شخص امین درمورد منفعت ناشی از استعمال اصولاً مسولیتی ندارد مگر اینکه تعدی و تفریط کرده باشد.

در مورد منفعت ناشی از استعمال هم میتوان شرط ضمان نمود. یعنی شرط کرد که شخص مستعیر در صورتی که تعدی و تفریط نکرده باشد ولی منفعت ناقص شده باشد، مسول جبران خسارت باشد.

در بعضی موارد قانونگذار شخص مستعیر را بدون تعدی و تفریط هم مستقیماً ضامن دانسته است. مانند عاریه طلا و نقره

تفکیک هزینه ها

صرف نظر از قانون روابط موجر و مستاجر قاعده اساسی این میباشد که آن هزینه هایی که برای بقا مال لازم است، به عهده مالک است. ولی هزینه هایی که برای انتفاع لازم میباشد به عهده مستاجر است. در عقد عاریه نیز به همین گونه است. هزینه هایی که برای نگهداری مال لازم است، به عهده معیر است. ولی هزینه هایی که برای انتفاع از مال لازم است، به عهده مستعیر است.

در تمام عقود که موضع آنها منفعت مال باشد، آن مال باید بگونه ای باشد با انتفاع از منفعت، عین باقی باشد¹.

به عنوان مثال نمیتوان ادکلن را به عنوان عاریه به مستعیر داد مگر آنکه شرط استفاده دکوری شده باشد.

سایر شرایط مانند اهلیت، استرداد مال و تماماً در مورد عقد عاریه هم صادق خواهد بود.

1. ماده 137 قانون مدنی: هر چیزی که بتوان با بقای اصلش از آن منتفع شد می تواند موضوع عقد عاریه گردد.

عقد وکالت²

نیابت در انجام فعل اعم از فعل قانونی یا حقوقی را وکالت گویند. وکالت یکی از عقود جایز محسوب میشود. به عقیده بعضی از فقها وکالت یک ایفاء است و نیازی به قبول وکیل نیست. و به محض اینکه موکل اذن داد و تفویض اختیار کرد وکالت صحیح است. ولی قانون مدنی شرط صحت وکالت را به قبول وکیل منوط نموده است¹. یعنی در قانون مدنی ایران بر عقد بودن وکالت تاکید شده است و نه اذن محض. عقد وکالت عقدی عهدی است. و اثر مستقیم عقد وکالت، ایجاد یک تعهد می باشد و برای طرف مقابل یک عقد دینی است. و همچنین عقد وکالت یکی از عقود جایز می باشد. و هر یک از طرفین می توانند در هر زمان از عقد وکالت رجوع نمایند. و مطابق ماده 953 به فوت و حجر هر یک از طرفین عقد وکالت منفسخ خواهد شد.

وکالت بلاعزل

در وکالت نامه هایی که در عمل تنظیم می شود، معمولاً طرفین تمایل به باقی ماندن حق رجوع ندارند. به همین منظور معمولاً وکالت را به صورت بلاعزل تنظیم می کنند و قابلیت رجوع عقد وکالت را سلب میکنند. وکالت نامه های بلاعزل به دو گونه تنظیم میشوند:

1- در بعضی از وکالت نامه ها، این شرط در ضمن عقد وکالت درج میشود. به نظر دکتر کاتوزیان میتوان این شرط را ضمن عقد جایز درج نمود و آن را از حیث قابلیت رجوع مانند عقد لازم کرد. دکتر کاتوزیان اینگونه استدلال مینماید که؛ همان اراده ای که می تواند عقد لازم را در خارج بوجود آورد و یا ضمن آن شرط سلب رجوع کند، همان اراده می تواند ضمن همان عقد، این قابلیت را به عقد جایز اعطا کند.

در مقابل عقیده مخالفان نظریه فوق بر این است که؛ شرط تابع عقد است و اعتبار خود را از عقد میگیرد. وقتی عقد متزلزل است و طرفین می توانند رجوع کنند، به تبع آن شرط نیز قابلیت رجوع خواهد داشت. به همین دلیل نمیتوان ضمن همان عقد، شرط سلب رجوع نمود.

به نظر می رسد دلایل مخالفان قوی تر باشد.

